



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ اعظم انصاری فرمودند روایت: « حرمة مال المؤمن كحرمة دمه » علاوه بر حرمت تکلیفی بر ضمان نیز دلالت دارد اما آقای خوئی فرمودند که این روایت فقط بر حرمت تکلیفی دلالت دارد که البته حضرت امام(ره) در جواب ایشان فرمودند که در ارتکاز و ذهن متشرعه این بوده که نفس و دم مسلمان احترام دارد و نباید حذر برود لذا این روایت هم بر حرمت تکلیفی دم مسلمان و هم بر حرمت وضعی آن دلالت دارد یعنی اگر دم مسلمان ریخته شد قصاص و دیه دارد بنابراین چونکه در این خبر حرمت مال مسلمان به حرمت دم او تشبیه شده لذا هم حکم تکلیفی حرمت مال مسلمان و هم حکم وضعی ضمان مال او را اقتضاء می کند .

حضرت امام(ره) در ص ۴۱۹ از جلد اول کتاب بیعتشان در ادامه بحث از این خبر فرموده دو اشکال بر این استدلال ما شده زیرا ما می خواهیم با توجه به روایت مذکور (حرمة ما المؤمن كحرمة دمه) بگوئیم که مال ، اعم از عین و منفعت است و حتی شامل اعمال حر نیز می شود یعنی همانطور که اگر عمل حر مورد اجاره ی صحیح بوده باید اجل مسمی را به عنوان اجرت به او بدهد در صورتی که اجاره ، فاسد شد نیز باید اجرة المثل را به او بدهد زیرا : « كلُّ عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده » .

اشکال اول : از هدایة الطالب ص ۲۲۰ نقل شده که اشکال شده به اینکه عمل حر مال نیست لذا حدیث شامل آن نمی شود .

اشکال دوم : آخوند خراسانی اشکال کرده و فرموده که أدله از عمل حر انصراف دارد .

حضرت امام(ره) از هر دو اشکال جواب می دهد و می فرماید اولاً : عمل حر نیز مال است زیرا وقتی کسی شخص حرّی را اجیر می کند برای انجام کاری در واقع به او پول داده تا برایش کار بکند لذا کار او مال محسوب می شود و حتی اگر ما بخواهیم اموال ماجر را محاسبه کنیم یکی از اموالش همین عقد اجاره ای است که با اجیر حر بسته تا اینکه برایش کار بکند فلذا عمل حر نیز مال محسوب می شود و حتی اگر اجاره هم در کار نباشد بلکه شما یک خرّ کسوب را مثلاً ۱۰ روز در جایی حبس کنید ضامن اعمال او هستید زیرا اگر آزاد بود مثلاً روزی ۱۰۰ هزار تومان کسب و کار می کرد فلذا احترام مال مسلمان اقتضا می کند که این کار شما ، هم تکلیفاً حرام باشد و هم مال او دارای ضمان باشد اعم از اینکه مالش عین و یا منفعت و یا عمل باشد .

جواب امام(ره) از اشکال دوم : روایت انصراف از عمل حر ندارد زیرا در خبر «مال» ذکر شده و عرفاً ، هم عین و هم منفعت و هم عمل حرّ کسوب مال محسوب می شود مثلاً در باب زکات کسی که می تواند از راه عمل خودش خرج خودش را در بیاورد فقیر نیست و مستحق زکات نمی باشد زیرا با عمل خودش مالک

الإسلام» در واقع این یک نوع حکم حکومتی می باشد یعنی اینکه پیغمبر(ص) بعد از تذکر به سمرة بن جندب (بابت بی اجازه وارد شدن به خانه آن مرد) به مرد انصاری گفت برو و درختها را بکن زیرا: «لاضرر و لاضرار فی الإسلام» که در واقع این یک حکم حکومتی از طرف حضرت می باشد لذا به درد مانحن فیه نمی خورد، واما توضیح بیشتر این مطالب بماند برای روز شنبه إن شاء الله... .

اخلاق:

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در کلمه ۷۰ از کلمات قصارشان فرموده اند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» . کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد .

والحمد لله رب العالمين و صَلَّى اللهُ عَلَى عَلِيٍّ

محمد و آلِهِ الطَّاهِرِينَ

معونه سال خودش می شود بنابراین عمل حراً کسوب عرفاً مال محسوب می شود .

حضرت امام(ره) در آخر بحثشان می فرمایند: آخر الأمر ما از این حدیث نمی توانیم ضمان منفعت غیر مستوفاه را استفاده کنیم زیرا شما در جایی ضامن هستید که اتلاف از طرف شما باشد و یا شما سبب تلف باشید اما اگر آفت سماوی بیاید و یا خود به خود آن شخص بمیرد دیگر شما ضامن منافع غیر مستوفاه نیستید البته قبلاً عرض کردیم که از حدیث «علی الید» ضمان منافع غیر مستوفاه استفاده می شود، بنابراین امام(ره) و همچنین ما به شیخ انصاری که می فرماید این حدیث شامل منافع غیر مستوفاه نیز می شود اشکال می کنیم و می گوئیم که این حدیث شامل منافع غیر مستوفاه نمی شود .

شیخ انصاری(ره) در ادامه به أدله نفی ضرر نیز برای اثبات ضمان استدلال کرده، أدله نفی ضرر روایاتی هستند در باب ۱۲ از أبواب إحياء موات که در جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده اند و قاعده «لاضرر» نیز از آن روایات گرفته شده است .

بحث دیگر آن است که آقای خوئی در اینجا برای اثبات ضمان به «سیره» استدلال کرده و فرموده سیره عقلاء اقتضاء می کند که هر کسی باعث حدوث ضرر بر دیگری بشود ضامن است بنابراین ایشان هیچکدام از أدله مذکور در مانحن فیه را قبول نمی کند و فقط دلیل عمده را سیره می داند .

حضرت امام(ره) در مورد اخبار نفی ضرر می فرماید: اینکه پیغمبر(ص) فرموده: «لاضرر و لاضرار فی